

تربیت اجتماعی

محسن ایمانی



قسمت هشتم

برخی از موانع روابط اجتماعی

از آنجاییکه معاشرت نمودن با دیگران، عامل مهمی در رشد تربیت اجتماعی فرد می باشد، این امر سخت مورد تاکید واقع شده است، اما ممکن است در سرراه اینگونه پیوندها و ارتباطهای اجتماعی موانعی پدید آید که مخل روابط گشته، مانع بروز و تجلی یافتن اثرات تربیتی ناشی از معاشرتها گردد و بالنتیجه عدم دستیابی به تربیت اجتماعی مناسب را در پی داشته باشد. ذیلاً به برخی از این موانع که آنها را «موانع تحقق تربیت مطلوب اجتماعی» می نامیم، اشاره می کنیم:

۱ - گرفتگی رخسار

همانگونه که گشاده رویی پیدایش و

رشد و گسترش روابط اجتماعی را در پی خواهد داشت ترش رویی که نقطه مقابل آنست، دوری مردم و معاشرین را بدنبال خواهد آورد و لذا در روایت چنین آمده است:

«عن ابی جعفر علیه السلام: عبوس الوجه وشوه البشر مکسبه للقمیت و تعد من الله» امام باقر علیه السلام فرمودند، تلخ روی (عبوس بودن) و گرفتگی رخسار باعث جلب دشمنی مردم و دوری از پروردگار است.^۱

معلم این درس را با چهره خویش می آموزد، او که هر روز بانشاط وارد کلاس می شود، ونیسمی بر لبان دارد و سخن از مهر بر زبان، عملاً درس خوبی را به دانش آموزان می دهد یعنی این سخن در حرکاتش متجلی

است که، شما نیز در برخورد با دیگران چنین باشید.

۲ - احساس رضایت از خود

راضی بودن از خود و اعمال و رفتار خویش، مانع تواضع و فروتنی گردیده، عدم پذیرش انتقادهای دیگران را در وجود انسان شکل می بخشد و آنکه از خویش رضایت داشته باشد، به تجدید نظر در اعمال خویش نمی پردازد و آنها را مورد ارزیابی قرار نمی دهد. قرآن در رابطه با عدم ابتدای انسان به چنین صفتی میفرماید: «وَلَا تُرْكَوْا أَنْفُسَكُمْ»^۲ یعنی خودستایی نکنید، و علی علیه السلام در باب صفات متقین می فرماید، «فانهم لَأَنْفُسِهِمْ مَثْمُومُونَ وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ»^۳ بد رستیکه ایشان نفسهای خود را متهم می سازند و از کردار خویش هراسانند.

همچنین علی علیه السلام درجای دیگری فرموده اند «مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُ عَلَيْهِ» یعنی کسی که از خود راضی و خویشش بسند باشد. غضب کننده بر وی بسیار خواهد بود.^۴ و همین غضبناکی دیگران از او، مانع نزدیکی آنها به وی خواهد شد و بدین ترتیب خودپسندی یکی از موانع پیدایش و استمرار و گسترش روابط اجتماعی خواهد بود.

انسانی که دچار عجب میگردد، با خویشتن خویش نیز نمی تواند رابطه دوستی برقرار نماید. او اعمال و عبادات و خدماتی که برای خدا انجام میدهد، بسیار بزرگ می شمرد و تلاشهایی را که برای دیگران می نماید نیز خدماتی عظیم می پندارد و لذا از دیگران نیز توقع بسیار دارد، چون این توقعات برآورده نمی شود روابط او با دیگران دچار مخاطره و اختلال می گردد. و از سویی انسان از خود راضی درصدد توجه به عیوب خویش بر نمی آید، زیرا خود را فاقد عیب



● دانش آموز باید به گونه ای پرورش یابد که از داشتن تمامی خصلتهایی که موجبات سستی پیوندهای دوستی او را با دیگران فراهم می آورد بر حذر بماند.

• معلم این درس را با چهرهٔ خویش می آموزد، او که هر روز با نشاط وارد کلاس می شود و تبسمی بر لبان دارد و سخن از مهر بر زبان، عملاً درس خوبی را به دانش آموزان می دهد.

میداند، ولذا علی علیه السلام دربارهٔ چنین افرادی فرموده اند.

«جهلُ المرء بِعیوبِهِ مِنْ أَكْبَرِ ذُنُوبِهِ» یعنی جهل وی خبیری انسان از عیوب اخلاقیش در ردیف بزرگترین گناهان اوست. به هر حال انسان از خود راضی که درصدد بازنگری به رفتارهای خویش برنمی آید، وجود اخلاق رذیله و صفات ناپسند در او، موجبات دوری گزیدن دیگران را از وی فراهم می آورد. پس داشتن عجب و اخلاق رذیله مانع بزرگی در برقراری روابط اجتماعی محسوب می گردد و بدین ترتیب درمی یابیم که انسانی که نتوانسته است با خود رابطهٔ درستی را برقرار نماید، بطریق اولی نمی تواند، با دیگران روابط مناسبی داشته باشد.

پس معلم و مربی نمونه، آن فردیست که با رفتار متواضعانهٔ خویش، درس تواضع آموزد. تواضعی که صمیمیت ها را پاس میدارد و دوستیها را استمرار می بخشد و در درجه نخست باید مربی واجد آن باشد و آن را با عمل و گفتار خویش به دیگران آموزد چرا که باید از او درس گیرند و دوستیها را استمرار بخشند زیرا که در سایهٔ دوستیهای ارزشمند، تربیت اجتماعی نیز به خوبی تحقق پذیر است.

۳ - بدبینی

سوء ظن داشتن نسبت به دیگران نیز از جمله آفات معاشرت است. قرآن کریم مسلمین را از داشتن گمانهای سوء نسبت به مسلمین بر حذر داشته است و میفرماید «یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم» یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها پرهیزید زیرا بعضی از گمانها گناه است.

بد گمانی عامل فسخ و عدم پایداری دوستیهاست و بدبینی نسبت به دوستان

سبب تیرگی روابط می شود و دوستی و محبت را در معرض زوال و نیستی قرار میدهد. علی علیه السلام میفرماید: «من غلب علیه سوء ظن لم یترك بينه وبين خلیله صلحاً» یعنی بد گمانی بردل هر کسی چیره شود بین او و دوستش دیگر صلح و صفایی باقی نمی گذارد.»^۶

«در منطبق دین بد گمانی به اشخاص بدون دلیل قطعی و متقن قدغن شده است. و رسول خدا فرمود، خداوند سه چیز را از مسلمانان بر شما حرام کرده است. خون آنها و مال آنها و اینکه دربارهٔ آنها گمان بد ببرید.»^۷ با توجه به اثرات سوء بدبینی و نقش آن در پیدایش مشکلات در روابط دوستانه، مربی باید آثار سوء بدبینی ها را متذکر گردد و شاگردان خویش را از متصرف گردیدن به این صفت رذیله باز دارد و در رفتار خود با آنها نیز بدبینی را دخالت ندهد. آیامعلمی که در برابر سخنان صادقانه دانش آموزی راه عدم بساور را در پیش می گیرد. و به او می گوید آنچه که می گویی درست نیست خود با رفتار خویش درس بدبینی نمی آموزد؟

۴ - عیبجویی

عیب جو بودن، خود رذیله ای اخلاقی محسوب میگردد و مانع از برقراری روابط اجتماعی حسنه میگردد و عواملی که انسان را به عیبجویی برمی انگیزد یکسوی احساس حقارت و پستی طینت است که در اثر غرور و خودخواهی تحریک و تقویت می شود. چنین افرادی حتی با آنها یکه رابطه ای بسیار نزدیک دارند، نیز نمی توانند همواره در صفا و یکرنگی بسر برند. همانطوریکه در حضور یک دوست به ذکر معایب دیگران می پردازند. زمانی که میدان کاملاً برای تاخت و ناز مناسب است از نواقص و اشتباهات دوست خویش نکوهش و انتقاد

• انسانی که نتوانسته است با خود رابطهٔ درستی را برقرار نماید، بطریق اولی نمی تواند با دیگران روابط مناسبی داشته باشد.

• دانش آموزان باید بفهمند که برای موفق بودن در برخوردهای اجتماعی، صداقت و راستی را پیشهٔ خود سازند و آن را به عنوان یکی از آداب اجتماعی فرا گیرند.

خواهند کرد لذا کسی که شیوه اش عیب جویی است نمی تواند برای خود دوستانی واقعی جذب نماید و در پناه محبت و عنایت آنها قرار گرفته و از سرچشمهٔ عواطف و احساساتشان سیراب شود. و قرآن نیز در نکوهش این خصلت می فرماید «ویل لکل همزة لمزة» یعنی وای بر هر عیب جوی هرزه زبان. اسلام برای حفظ وحدت جامعه و پایداری پیوندهای دوستی، مراعات اصول ادب را در زندگی لازم شمرده و عیب جویی را که سبب تفرقه و از هم پاشیدن علقه های دوستانه میگردد ممنوع کرده است و لذا مسلمین باید حافظ شئون یکدیگر بوده، از تحقیر و اهانت نسبت به هم جداً خودداری نمایند.

علی علیه السلام عیب جویان را افرادی قابل معاشرت و آمیزش نمیداند و لذا میفرماید «ایناک و معاشره ینفی عیوب الناس فانهم لم سلم مصاحبهم منهم». مربی باید ضمن برشمردن مضرات عیب جویی، شاگردان را به تدقیق بیشتر در وجود خویش دعوت نماید و به آنها بفهماند که بجای پرداختن به عیب دیگران و غافل ماندن از عیوب خویش، نخست به شناخت عیوب نفس خود پردازند و صفات متقین را در پیش گیرند و همانند آنان نفسهای خویش را متهم سازند، چنانکه علی (ع) دربارهٔ متقین می فرماید: «وهم لانفسهم متهمون» یعنی متقین نفسهای خویش را متهم می نمایند و یا در قرآن چنین آمده است که «ولا تزکوا انفسکم».

حضرت یوسف (ع) با اینکه در مقام عصمت می باشد چنین می فرماید «وما ابرئ نفسی» و بدین ترتیب، ضرورت آشنا نمودن دانش آموزان با عیوب خویش و شیوه های زدودن این عیوب، مبرهن میگردد. افرادی که دارای نفوس سالم هستند از

الف - به فرزند خود دروغ نگویند زیرا دروغگویی در فرزندان آنان اثر می گذارد.
ب- بیش از حد توانایی کودک به او تعیین تکلیف ننمایند.
ج- فرزند را به طغیان و گناه وادار نکنند.
د- وظیفه سنگین و طاقت فرسا به او محول ننمایند.

در حدیث نبوی آمده است که ما گروه پیغمبران باید با مردم مطابق عقل و توانایی آنان صحبت کنیم. (بخار، جلد دوم، ص ۲۸۴)
از امام علی بن حسین (ع) روایت شده است که فرمود: با هر کس مطابق درک و فهم وی رفتار کن و اگر بخواهی نصیحت کنی چنان نصیحت کن که وی را مقبول افتد و باید با روش عذوفت و مهربانی رفتار کنیم و البته به نیروی لایزال الهی ایمان داشته باشیم.

با توجه به مطالب فوق باید:

۱- میزان تکالیف شاگردان، مطابق توانایی و کوشش آنان باشد و بیش از توانایی از آنان توقع نداشته باشیم و سعی کنیم که از آسان به مشکل برسیم و از دانستنی ها به مجهولات پی ببریم. حتی نمره گذاری و رتبه بندی هم با توجه به استعدادها و توانایی های آنان باشد. درس و مشق در حدی باشد که شاگرد به زحمت زیاد نیفتد و در نهایت موجب فرار از مدرسه نگردد. چون یکی از موارد فرار کودک از مدرسه، توقع بیش از توانایی ها و استعدادهای کودک می باشد.

۲- در برنامه ریزی های تحصیلی و شغلی برای افراد، توجه به علایق و استعدادهای فردی و توانایی های آنان ضروری است.

۳- رفتار معلم با شاگردان مهربان و از روی دلسوزی و ملاحظت باشد. درس معلم اربود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را
۴- اخلاق، رفتار و سکنات معلم سرمشق خوبی برای شاگرد است. لذا معلم بایستی کلیه صفات پسندیده را در خود تقویت نماید و از صفات پست مبرا باشد و به هیچ عنوان مرتکب گناه و اعمال خلاف و

آنها شکل میدهد و نهال یک رنگی را در زمینة وجود آنها پرورش می دهد، برخوردهای مبتنی بر صدق و صفای معلمین و والدین می باشد. دانش آموزان باید بفهمند که برای موفقیت بودن در برخوردهای اجتماعی، صداقت و راستی را پیشه خود سازند و آنرا به عنوان یکی از آداب اجتماعی فرا گیرند تا در سایه برخورداری از صدق و صفا، از سلامت نفس نیز برخوردار گردند. فرد منافق به دلیل داشتن نفاق و شخصیت مزدوج، برای اینکه قادر باشد برخوردهای خود را با دیگران به نحوی تنظیم نماید که آنها بویی از نفاق او نبرند، فشار روانی زیادی را متحمل می شود تا این برخوردها را به گونه ای موفقیت آمیز ترتیب دهد که درون او و خیانت و جودی او آشکار نگردد. و اثر همین فشار بیش از حد روانی که در رفتارهای او نیز ظهور می یابد، خود عامل دیگری در عدم توانایی در برقراری رفتار مطلوب اجتماعی محسوب میگردد و به دلیل نداشتن تعادل روانی و تجلی آن عدم تعادل در برخورد با دیگران قطعاً دوستانی را از دست خواهد داد. درحالیکه فرد صادق، بدون هراس از اینگونه مسائل و بدون داشتن ترس از برملا شدن باطن خود، به جذب دوستان می پردازد زیرا ظاهر و باطن او یکی است و به همین دلیل او دارای آرامش روانی بوده، رفتاری غیر متعادل ندارد و در پناه این آرامش روانی، با شادی و نشاط در کنار دوستان خود به زندگی ادامه میدهد. بنابراین دانش آموز باید به گونه ای پرورش یابد که از داشتن تمامی خصلتهایی که موجبات سستی پیوندهای دوستی او را با دیگران فراهم می آورد بر حذر بماند.

باورقی:

- ۱- حدیث تربیت، ص ۹۴
- ۲- سوره نجم، آیه ۳۲.
- ۳- نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه متقین، ص ۶۰۳
- ۴- حدیث تربیت، ص ۹۴
- ۵- سوره حجرات، آیه ۱۲
- ۶- بررسی مشکلات اخلاقی و روانی، ص ۴۵-۴۶
- ۷- همان منبع، ص ۴۵

عیب جویمان دوری می جویند و چون اعتمادی بر عیب جو نیست او که عیب دوست خود را اکنون در نزد دیگری می گوید چه تضمینی وجود دارد که عیب شنونده را به دیگری نگوید.

سعدی در همین رابطه می گوید:
هر که عیب دگران پیش تو آورد و شمرد بی گمان عیب تو بیش دگران خواهد برد
لذا اشخاص به دلیل همین عدم اطمینان که مبادا عیوب آنها توسط فرد عیبجو به دیگران منتقل شود، از دوستی با او کناره می گیرند و همینجاست که اثر عیب جویی را در جدایی پیوندهای دوستی مشاهده می نمایم و عده ای دیگر نیز که در اثر خوف داشتن از خدا، از استماع غیبت دیگران دوری می جویند، آنها نیز به ایشان نزدیک نخواهند شد.

۵- برخوردهای منافقانه

داشتن برخوردهای منافقانه با دوستان نیز از جمله عوامل ناپایداری در معاشرتها می باشد، زیرا پس از برملا شدن آن دوگانگی ها دیگر مجاللی برای دوستها باقی نمی ماند.

علی (ع) نیز مسلمین را به حذر نمودن از منافقین امر نموده است و می فرماید: «احذروا اهل النفاق فانهم ضالون المظلون المزلون قلوبهم دویه و صحافهم نقیه» در خطبه منافقین نیز قریب به این مضامین جملاتی را آورده اند.

علی علیه السلام درباره ویژگیهای منافقین چنین می فرماید: «والمنافق ثلاث علامات، اذا حدث کذب و اذا وعد خلف و اذا ائتمن خان» یعنی «منافق دارای سه خصلت و علامت می باشد. هنگامی که سخن بگوید دروغ می گوید و از پیمانها و تعهدات خویش تخلف ورزد و در امانت خیانت کند». وقتی که این خصلتهای منافقانه در برخورد با دوستان و آشنایان ظاهر و آشکار گردد، پایه های دوستی بین آنها را، هر چند که در اول محکم نیز بوده باشد متزلزل میگرداند.

مربی و معلم نیز باید دانش آموز را طوری پرورش دهند که متصف به این صفت نگردد او اگر تضادی در قول و عمل مریبان و والدین مشاهده نماید. اینگونه حرکات بر روی او بی تأثیر نخواهد بود. از جمله مسائلی که باعث پرورش روح صداقت در مریبان گشته، صادق بودن را در وجود

شاهدان حریم تربیت



احیاناً دروغگویی نشود.

راهنمایی دانش آموزان با توجه به تفاوت های فردی

با توجه به مطالب گذشته چنین بر می آید که افراد از لحاظ استعدادها، علایق، توانایی های فردی با هم تفاوت های عاطفی دارند و از طرف دیگر بعلاوه تعدد مواد درسی و افزایش آمار دانش آموزان در مدارس و کلاس های درس و تخصصی بودن معلمان از لحاظ ماده درسی، شناخت واقعی روی یکایک شاگردان به نحو بارز انجام نمی گیرد، لذا تشکیل ستادهای تربیتی مدارس با همکاری مدیر و معاون، آموزگاران و مربی آموزشی آموزشگاه به منظور شناخت افراد از تمام جنبه های مختلف امر مهمی است.

ستادهای مربوطه هم نیاز به آموزش و تخصص های لازم دارند تا شناخت واقعی انجام گیرد. باید از فنون راهنمایی و مشاوره آگاه بود و شاگردان را از جهات مختلف مشکلات رفتاری مثل کمرونی عدم اعتماد به نفس، فرار از مسئولیت های اجتماعی، عدم همکاری و داشتن روحیه پرخاشگری، شناخت و ارشاد نمود.

در مورد عقب ماندگی درسی و ضعف در پایه های تحصیلی باید آنان را شناخت و چاره جویی کرد. در تمام مراحل راهنمایی باید فرد را در انتخاب رشته تحصیلی و نوع مشکل مشارکت داد نه اینکه جداگانه برای فرد خط مشی تهیه نمود. وظیفه مربی امور تربیتی است که راه های مختلف شناخت کودک را بداند. برای معلمان مقاطع تحصیلی هم تشکیل کلاس های آموزش ضمن خدمت ضروری است. که هم با فنون جدید آشنا می شوند و هم شیوه های مطالعه کودک و راههای شناخت فرد را می آموزند.

دادن اطلاعات مورد نیاز به دانش آموزان در خصوص آئین نامه و مقررات مدرسه و آئین نامه امتحانی و انضباطی و وظایف دینی و مذهبی و روابط انسانی بین شاگردان ضروری است و این مسائل را می توان از طریق نشریه دیواری، سخنرانی و پرسش های فردی و مصاحبه انفرادی منعکس نمود که تحت عنوان «خدمات راهنمایی» بیان می گردد.



• شهید رشید عاشوری

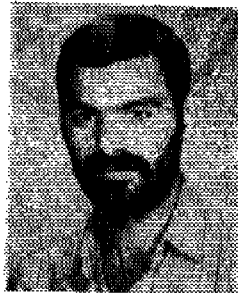
محل خدمت: تهران

محل شهادت: اسلام آباد

تاریخ شهادت: عملیات مرصاد

فرازی از وصیتنامه شهید:

در زندگی همواره با اخلاص باشید و هرگز دروغ نگویید و نمازتان را برای خدا بخوانید و واجبات دینی را انجام دهید و اطاعت اوامر رهبری را همیشه و در هر حال بجای آورید و در فراگیری علم ثابت قدم و استوار باشید.



• شهید امیر مسعود کمال

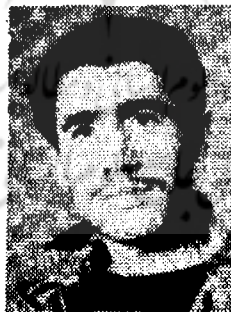
محل خدمت: تهران

محل شهادت: اسلام آباد

تاریخ شهادت: عملیات مرصاد

فرازی از وصیتنامه شهید:

یارب شکر که بمن توان شکرگزاری عطا کردی و مرا در وضعیتی قراردادی که جنگی میان حق و باطل درگردد و مرا در آن شرکت دادی تا با یاران امام زمان (عج) همسنگر و تداوم دهنده راه نایب برحقش خمینی بت شکن باشم.



• شهید مرتضی امانی

محل خدمت: چهارمحال بختیاری

محل شهادت: فاو

فرازی از وصیتنامه شهید:

همیشه و در همه حال بفکر مرگ باشید. ما که یقین داریم خواهیم مرد و زندگی دنیا موقتی و مشابه پلّی است که بر روی آن باید عبور کرد تا به آخرت رسید و اگر منقدم که روز قیامت حتمی است و فرا خواهد رسید و به اعمالمان رسیدگی می شود، پس چشم و گوشان را باز و ترک معاصی نمایم.



• شهید علی نادعلی

مربی تربیتی شهرستان نجف آباد

محل شهادت: حلبچه

تاریخ شهادت: فروردین ۱۳۶۷

فرازی از وصیتنامه شهید:

توصیه می کنم در بول پرستی فرو نروید، مآذیات دنیا را اصل قرار ندهند. من چنین نکردم ولی می دانم نفع شمامت.